

فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

سال دهم • شماره سی و هفتم • پاییز ۱۳۹۷

ISSN 2008-627X



• واکاوی تمثیل در غزل معاصر ایران با تکیه بر فاضل نظری
اسماعیل عبدی مکوند، شقایق ماهی زاده، زهرا محسنی موسوی ۸

• بررسی حکایت های تمثیلی با شخصیت های جانوری در اللمع فی
التصوف ابونصر سراج
حبیب کارگر، عباسعلی وفایی، علیرضا شعبانلو ۲۳

• بررسی و تحلیل کارکردهای اخلاقی تمثیل در اسرارنامه عطار نیشابوری
حسین قاسمی فرد، سید حسین سیدی ۴۴

• حضور حیوانات در شاهنامه با رویکردی به نقش تمثیلی و نمادین
رقیه مهماندوست کتلی، بتول فخر اسلام، محبوبه ضیاءدادادیان، پروین
دخت مشهور ۶۷

• تمثیل در سلامان و ابسال جامی
زینب نوری سرخنی، فاطمه حیدری ۹۰

• بررسی مؤلفه های تمثیلی رمان عاشقانه های یونس در شکم ماهی از
جمشیدخانیان
سمیه آورند، سیداحمد حسینی کازرونی، سید جعفر حمیدی، محمدرضا
شهبازی ۱۱۱

• معرفی و شناخت سلیمان نامه (شاهنامه سلیمانی) عارف و بررسی
رویکرد تمثیلی شاعر به تاریخ
فرزاد قائمی، اسماعیل عبدی مکوند ۱۲۸



دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
معاونت پژوهش و فناوری

فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

سال دهم / شماره سی و هفتم / پاییز ۱۳۹۷

نمایه شده در:

www.sid.ir

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.noormags.com

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

مقالات، نمودار آرای نویسندگان است و این فصل نامه در این زمینه، مسؤلیتی ندارد.
خواهشمند است فایل Word و Pdf مقاله تنها از طریق سایت فصل نامه ارسال گردد:

<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>

« فصل نامه تحقیقات تشبیلی در زبان و ادب فارسی »

مدیر مسؤول: دکتر سید جعفر حمیدی (استاد)

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی

سر دبیر: دکتر سید احمد حسینی کازرونی (استاد)

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی

مدیر داخلی: سعیده ساکی انتظامی

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، گروه زبان و ادبیات فارسی

دکتر شمس‌الحاجیه اردلانی: استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

مشاوران علمی (دکتری زبان و ادبیات فارسی):

استادان: دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر عطاءمحمد رادمش، دکتر محمد غلام رضایی، دکتر علی محمد مؤذنی، دکتر احمد رضا یلمه‌ها

دانشیاران: دکتر علی اصغر باباصغری، دکتر منصور ثروت، دکتر فاطمه حیدری، دکتر احمد ذاکری، دکتر علی سلیمی، دکتر مجتبی منشی‌زاده

استادیاران: دکتر جمال احمدی، دکتر اصغر باباسالار، دکتر ابراهیم حیدری، دکتر علی اکبر خان‌محمدی، دکتر هادی خدیور، دکتر میراسماعیل قاضی شیراز

ویراستار فارسی: دکتر سیداحمد حسینی کازرونی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

اعضای هیأت تحریریه: گروه زبان و ادبیات فارسی (به ترتیب حروف الفبایی):

دکتر نصرالله امامی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران - اهواز

دکتر کاووس حسن لی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

دکتر سید احمد حسینی کازرونی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

دکتر سید جعفر حمیدی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

دکتر احمد خاتمی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی - تهران

دکتر کاظم دزفولیان: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی - تهران

دکتر عباس کی منش: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

ناشر: معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

پست الکترونیک: sahkazerooni@yahoo.com

تلفن سردبیر: ۰۹۱۲-۱۰۰۴۳۵۴

پست الکترونیک: ssentezami@gmail.com

تلفن مدیر داخلی: ۰۹۱۲-۰۱۴۷۷۱۵

راهنمای نگارش و شرایط پذیرش مقاله

- این فصل‌نامه با شرایط زیر، در مباحث تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، مقاله می‌پذیرد:
- مقاله‌های فرستاده شده، در نشریه دیگری چاپ و یا به سایر مجله‌های داخلی و خارجی ارسال نشده باشد. ضمناً گرایش مقالات فقط در تحقیقات زبان و ادب فارسی است و با رویکرد تمثیلی است.
 - هیأت تحریریه در رد یا قبول و ویرایش ادبی و کوتاه کردن مطالب، آزاد است.
 - حق چاپ، پس از پذیرش برای «این فصل‌نامه» محفوظ است و نویسندگان، نباید مقاله‌های خود را در نشریه دیگری به چاپ برسانند.
 - چاپ مقاله‌ها و تقدّم و تأخر آن در بررسی و تأیید هیأت تحریریه، تعیین می‌شود.
 - مقاله‌های ارسالی، باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد.
 - اولویت در گزینش چاپ مقاله به ترتیب با مقاله‌های پژوهشی و تألیفی است.
 - مسئولیت درج گفتارها و صحت مطالب مندرج در هر مقاله، به لحاظ علمی و حقوقی و ... به عهده نویسنده است.
 - مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه‌ها، نخست با ذکر نام دانشجو و سپس با ذکر نام استاد راهنما بلامانع است.
 - مقاله‌های دریافتی، توسط استادان متخصص داوری خواهد شد.

* ضوابط مقاله‌های ارسالی:

۱. اشعار مقاله مانند نمونه زیر در جدول قرار داده شوند:

پس ترا هر لحظه مرگ و رجعتی است	مصطفی فرمود دنیا ساعتی است
	(مولوی، ۱۳۷۱: د ۱، ۵۶)

- چکیده انگلیسی باید مطابق چکیده فارسی باشد. (شامل اسم مقاله، اسم نویسنده(گان)، سمت نویسنده(گان)، متن چکیده، کلمات کلیدی).
- مقاله، باید شامل چکیده فارسی و انگلیسی (در حدود) ۱۰ سطر - حدود ۱۶۰ کلمه، واژگان کلیدی (سه تا ۵ واژه)، مقدمه، پیشینه، بیان مسأله، سوالات تحقیق، اهداف، روش تحقیق، نتیجه و فهرست منابع و مأخذ باشد. ضمناً آدرس پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه نویسنده در پایین چکیده‌ها درج شود.
- در صفحه اصلی مقاله، برای درج مشخصات، بدین گونه عمل شود:
 - عنوان کامل مقاله (در وسط صفحه)
 - نام نویسنده یا نویسندگان. (در سمت چپ صفحه، در دو نیمه سطر)
 - رتبه علمی و نام دانشگاه یا مؤسسه محل اشتغال.
 - نشانی کامل نویسنده، شامل: نشانی کامل پستی، شماره تلفن، دورنگار، پست الکترونیکی.

۶. محدوده نقل قول‌ها و ذکر نوشته‌های دیگران باید در درون گیومه قرار داده و پس از آن آدرس درون متنی در پرانتز درج شود.

۷. ارجاعات در متن مقاله، در درون پرانتز و بدین گونه تنظیم گردد: (نام خانوادگی مؤلف، سال انتشار:)، برای مثال: (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۷ : ۱۴) ۸. در مقاله به پیشینه پژوهش اشاره شود.

۹. منابع و مأخذ، در پایان مقاله، به ترتیب حروف الفبایی و بدین گونه تنظیم گردد:

الف - کتاب: نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، نام کتاب. شماره ج. نام مترجم یا سایر افراد همکار. محل نشر. نام ناشر، چ ...

ب - مقاله: نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام مترجم یا سایر افراد دخیل. نام نشریه. دوره یا سال. شماره نشریه. شماره ص (:)

ج - مجموعه‌ها: نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام گرد آورنده یا ویراستار. نام مجموعه مقالات. محل نشر. نام ناشر. شماره ص (:)

د - پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی، نام. تاریخ دریافت از پایگاه اینترنتی. عنوان مطلب. نام پایگاه و نشانی پایگاه اینترنتی به خط ایتالیک.

ه - لوح فشرده: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان مطلب. نام لوح فشرده. محل نشر. نام ناشر.

۱۰. معادل مفاهیم و نام‌های خارجی در پرانتز روبروی کلمه فارسی یا در زیر همان صفحه یا در پایان مقاله با عنوان پی‌نوشت، ذکر شود.

۱۱. نمودارها، جدول‌ها و تصویرها در صفحات جداگانه ارائه و عنوان‌های مربوطه، به صورت گویا و روشن در بالای آنها نوشته شود.

الگوی فنی تنظیم مقالات

متن فارسی با قلم بی لوتوس (B lotus) و متن عربی با قلم بدر (Badr) یا Traditional Arabic) نوشته شود.

اندازه قلم‌ها به شرح زیر باشد:

- عنوان مقاله با ۱۶ سیاه
- کلمه چکیده با ۱۳ سیاه
- کلمه کلید واژه‌ها با ۱۳ سیاه
- متن چکیده و کلید واژه‌ها با قلم ۱۲ نازک
- عناوین اصلی و فرعی در متن با قلم ۱۳ سیاه
- متن مقاله با قلم ۱۳ نازک
- ارجاعات در داخل متن و بین دو پرانتز (کمان) با قلم ۱۱ نازک
- کلمات و حروف لاتین به خاطر هماهنگی با متن، با قلم ۱۱
- تمام ارجاعات داخل متن، به جز کلمه همان، غیر ایتالیک نوشته می‌شود. و کلمه همان ایتالیک نوشته می‌شود. نحوه ارجاع نیز به این صورت نوشته می‌شود: (اسم نویسنده، و شماره صفحه).
- منابع با قلم ۱۱ نازک نوشته شود. به این ترتیب: (نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال، عنوان کتاب، محقق (مترجم) کتاب، مکان انتشار: ناشر، چاپ)

آدرس وب سایت دکتر سید احمد حسینی کازرونی

www.sahkazerooni.ir

فهرست مطالب

- سخن سردبیر ۶
- واکاوی تمثیل در غزل معاصر ایران با تکیه بر فاضل نظری
اسماعیل عبدی مکوند، شقایق ماهی‌زاده، زهرا محسنی موسوی ۸
- بررسی حکایت‌های تمثیلی با شخصیت‌های جانوری در اللّمع فی التّصوّف ابونصر سراج
حبیب کارگر، عباسعلی وفایی، علیرضا شعبانلو ۲۳
- بررسی و تحلیل کارکردهای اخلاقی تمثیل در اسرارنامه عطار نیشابوری
حسین قاسمی‌فرد، سید حسین سیدی ۴۴
- حضور حیوانات در شاهنامه با رویکردی به نقش تمثیلی و نمادین
رقیه مهماندوست کتلی، بتول فخر اسلام، محبوبه ضیاخدادادیان، پروین دخت مشهور ۶۷
- تمثیل در سلمان و ابسال جامی
زینب نوری سرخنی، فاطمه حیدری ۹۰
- بررسی مؤلفه‌های تمثیلی رمان عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی از جمشید خانیان
سمیه آورند، سیداحمد حسینی کازرونی، سید جعفر حمیدی، محمدرضا شهبازی ۱۱۱
- معرفی و شناخت سلیمان‌نامه (شاهنامه سلیمانی) عارف و بررسی رویکرد تمثیلی شاعر به تاریخ
فرزاد قائمی، اسماعیل عبدی مکوند ۱۲۸

به نام خداوند جان و خرد

سخن سردبیر

درخت تو گر بار دانش بگیری

به زیر آوری چرخ نیلوفری را

شرح حال شاعران بزرگ ایران، حسینی

کازرونی، ۱۳۷۸، ناصر خسرو: ۸۷

پاییز سومین فصل سال که با مهر آمیزی مهر ماه، ماهی که منشأ بلوغ معرفت‌هاست آغاز می‌گردد، با برگ ریزان زرد طلایی که در زیر پای کتاب و دفتر بدستان مشتاقانه رویش و پویش جوانه‌های دانش اندورزی را به نمایش در می‌آورد.

در دمام روزگار آن گاه که زمین در کشاکش دهر از نثار آسمان بهره‌مند می‌شود و صفای باران همه جا را از غبار تیرگی‌ها می‌شویند بازار علم و معرفت سایه جهالت را در پرتو چراغ دانش زدوده و محو و نابود می‌سازد، فراگیرندگان نکته آموز می‌شوند و درخت دانش ستبر و بارور می‌گردد، با نردبان دانش و معرفت می‌توانی آسمان‌ها را درنوردی.

تا به کی در جهالت و غفلت

شناسی نشیب خود زفراز

مایه هر سعادت علم است

به خدای علیم بی انباز

کی ترقی کند کسی بی علم

مرغ بی بالی چون کند پرواز

علم تحصیل کن سلّم

از نشیب برد به سوی فراز

همان، ادیب الممالک فراهانی: ۲۵۵

ادیب، نقش دانش و بینش را در کنار یکدلی و یگانگی دانسته و اتحادی را موفق می‌داند که مقرون به علم و درایت باشد:

مسلم است که گر در میانه نبود علم قوای ما همه بی مصرف و عمل بی جاست
زروی علم قوارا به خرج باید داد که علم اگر نبود زندگیت بی ابقاست
پس اجتماع ببايد زروی دانش و علم که علم اگر نبود اجتماع بی معناست

همان: ۲۵۷

فصل‌نامه علمی پژوهشی «تحقیقات تمثیلی» دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر که عزم خود را بر نشر دانش و گسترش فراگیرانه آن جزم کرده است از همه عزیزان دانشمند و صاحبان معرفت درخواست همکاری در نگارش مقالاتی وزین در زمینه موضوعی این فصل‌نامه می‌نماید. امید است که این فصل‌نامه در زمینه‌های علمی پژوهشی مورد حمایت و عنایت پژوهشگران عرصه دانش قرار گیرد (ان شاء الله تعالی)

با احترام
سید احمد حسینی کازرونی
استاد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
پاییز ۱۳۹۷



فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و هفتم - پاییز ۱۳۹۷ - از صفحه ۱۲۸ تا ۱۴۹

معرفی و شناخت سلیمان نامه (شاهنامه سلیمانی) عارف و بررسی رویکرد تمثیلی شاعر به تاریخ

فرزاد قائمی^۱، اسماعیل عبدی مکوند^{۲*}

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

دست‌نویس‌های متون کمترشناخته شده فارسی در روشن کردن زمینه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی، ادبی کشورهای دارای سابقه تمدنی کهن، اهمیت فراوان دارند. در ژانر حماسه‌های تاریخی فارسی، دست‌نویس‌های منتشرنشده بسیاری وجود دارد که به منزله گنجی گران‌بها حاوی نکات بسیاری از میراث تاریخی ایران و میراث فرهنگی زبان فارسی هستند، اما تاکنون شناسایی و معرفی نشده‌اند. سلیمان‌نامه یا شاهنامه سلیمانی یا شاهنامه عارف یکی از این آثار است که «فتح‌الله عارف»، شاهنامه‌چی دربار عثمانی، در سال ۹۶۹ ه. ق. آن را به رشته تحریر درآورده است. سلیمان‌نامه اثری تاریخی از نوع وقایع‌نامه‌ها درباره تاریخ سلطان سلیمان قانونی است؛ تاریخی که گرایش شاعر - مورخ به تمثیل بدان رویکرد حماسی و گاه تعلیمی بخشیده است. این مقاله پژوهشی کیفی با رویکرد تحلیلی و استنباطی است که به معرفی سلیمان‌نامه و تحلیل کارکرد تمثیل در آن به عنوان یک کیفیت سبکی بارز پرداخته است.

واژگان کلیدی: فتح‌الله عارف، سلیمان‌نامه، تمثیل، دوره عثمانی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۰

*نویسنده مسؤول: پست الکترونیکی: Abdimakvand@yahoo.com

۱- مقدمه

ادبیات حماسی فارسی، از گسترده‌ترین قلمروهای ادب فارسی در جغرافیای سیاسی جهان قدیم بوده است که به ویژه در چهار سده اخیر با گسترش دربارهای مغول و ترک که زبان فارسی را نیز در فضای فرهنگی خود همواره به عنوان یک عامل مهم حفظ می‌کردند، گسترش چشم‌گیری داشته است. دربارهای ترک و مغول برای کسب هویت تاریخی و سیاسی همیشه از شاهنامه به عنوان یک معیار برای تثبیت هویت جمعی خود سود می‌جستند. این رویکرد از یک سو به متن شاهنامه فردوسی و خلق نسخ گران‌بهای این متن در کتاب‌خانه‌های سلطنتی منجر می‌شد و در دیگر سوی، نظیره‌های شاهنامه، به ویژه در ژانر حماسه تاریخی، در دربارهای گورکانی، سلاجقه آسیای صغیر و عثمانی رشد زیادی داشتند.

این جستار به معرفی یک حماسه تاریخی ناشناخته (سلیمان‌نامه یا شاهنامه سلیمانی) در قلمروی عثمانی - در سطح عام- و تحلیل کیفیت تمثیل در این متن - در سطح خاص- پرداخته است. دربار عثمانی و وجود شغل دیوانی «شاهنامه‌چی» در آن- منصب رسمی یک شاعر برای خلق یک حماسه تاریخی نظیره شاهنامه- یکی از نقاط عطف در این زمینه است. این نکته که سراینده متن مورد بررسی در این جستار اولین کسی بوده است که این عنوان بدو اختصاص یافته است، اهمیت این متن را بیشتر می‌کند.

هم‌چنین موضوع خاص بررسی در این متن، کیفیت تمثیل در این حماسه تاریخی نظیره شاهنامه است. حوزه کاربردی تمثیل، بسیار گسترده است. در علم بیان در دوره‌های مختلف از آن به نام‌های گوناگون یاد کرده‌اند. در شعر و ادب فارسی به آن «استدلال، تشبیه مرکب، استعاره مرکب، استعاره تمثیلیه، ضرب‌المثل، اسلوب معادله، حکایت، حکایت اخلاقی، قصه حیوانات، قصه رمزی» و ... گفته‌اند. (ر.ک: فتوحی، ۱۳۸۶: ۴۲۲)

پژوهش‌گران علم بلاغت، به طور کلی چهار دیدگاه در موضوع «تمثیل» بیان نموده‌اند: «۱- مطرزی و ابن اثیر، تمثیل را «تشبیه» می‌دانند. ۲- جرجانی، سکّاک، خطیب قزوینی و جمهور بلاغیان، تمثیل را نوعی «تشبیه با وجه شبه مرکب» از امور متعدد می‌دانند. ۳- ابن خطیب، رازی و عبدالکریم التبیان، علوی و تفتازانی، تمثیل را «استعاره و مجاز» می‌شمارند. ۴- تمثیل، داستانی است که پیامی در خود نهفته دارد. این دیدگاه متأخرین و معادل «الگوری

«Allegory» در بلاغت فرنگی است. (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۵۵ و ر.ک. همان پیشین) از نظر شفیع‌الدکنی آنچه را متأخرین تمثیل می‌دانند، اسلوب معادله‌ای است که به لحاظ نوعی شباهت میان دو مصراع وجود دارد و شاعر در مصراع اول چیزی می‌گوید و در مصراع دوم چیزی دیگر. اما دو سوی این معادله از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند و شاید برای جلوگیری از اشتباه بتوان آن را اسلوب معادله خواند تا آنچه را که قدما تمثیل یا تشبیه تمثیل خوانده‌اند از قلمروی تعریف جدا کنیم. هم‌چنین کاربرد مثل را نیز از این حوزه خارج کنیم. (ر.ک. شفیع‌الدکنی، ۱۳۷۰: ۸۵-۸۴)

۱،۱- اهداف و اهمیت پژوهش

معرفی سلیمان‌نامه، متنی مهم از حیث تاریخ حماسه فارسی، برای اول بار، و شناخت سراینده آن فتح‌الله عارف، که از شعرای بزرگ آسیای صغیر بوده است و بررسی تمثیل که از جمله عناصری است که در متن، نقش ترغیبی ایفا می‌کند، از نقاط عطف این تحقیق است. تمثیل وظیفه روشن‌گری درون‌مایه کلام را دارد و شناخت آن، برای شناخت متون ادبی از اهمیت بسیار برخوردار است و از شیوه‌های بیانی متن سلیمان‌نامه که تحقیق در موردش از اهداف این پژوهش است، هدفی بدیع محسوب می‌شود.

۲،۱- پیشینه پژوهش

پیش از این درباره سلیمان‌نامه جز چند معرفی مقدماتی آن هم در حد اشاراتی بسیار کوتاه چیز بیشتری منشور نشده است. از جمله محمدامین ریاحی در زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی (۱۳۶۹) به اثر اشاراتی داشته است. نصرالله صالحی نیز در ترجمه- تدوین تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی (۱۳۹۱) به بررسی اجمالی سلیمان‌نامه‌های منثور و منظوم، و دیگر فتح‌نامه‌ها و ظفرنامه‌هایی که در دوره حکومت سلطان سلیمان قانونی تالیف شده، پرداخته است. اولین معرفی از نسخ اثر را نیز منزوی انجام داده است «(منزوی، ۱۳۵۱: ۲۹۳۵). پس از او درایتی در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) شاهنامه سلیمانی سروده فتح‌الله عارف تاریخی منظوم در ۲۲ هزار بیت معرفی کرده (درایتی، ج ۱۸: ۷۵۶)، خزانه‌دارلو در منظومه‌های فارسی نیز آن

را به تخمین از روی اوراق نسخه، ۳۲ هزار بیت دانسته است (خزانه‌دارلو، ۱۳۷۵: ۳۸۳)، اگر چه هیچ یک اطلاعاتی درباره محتوای اثر ارائه نکرده‌اند

در حوزه موضوع بررسی خاص این تحقیق، باید گفت که بر خلاف متن که ناشناخته است، منابع بسیار گسترده است و در کتب و منابع بلاغت بسیار به تمثیل پرداخته‌اند. محمود فتوحی (۱۳۸۶) سیر کلی از تمثیل را در مدخل «تمثیل»، در *دانش‌نامه زبان و ادب فارسی* اشاره کرده است. احمد خطیبی در کتاب *درآمدی بر تمثیل در ادبیات فارسی* (۱۳۹۶)، به بررسی جنبه‌های مختلف تمثیل پرداخته است. ای. دی. اچ. بیوار در مقاله «نقش تمثیل در حماسه ایرانی» (۲۰۰۰) کاربرد تمثیل در شاهنامه را بازجسته است. جواد مرتضایی، (۱۳۹۰) در «تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی؟» و صغری مرداسی سردارآبادی نیز «تمثیل و کارکرد آن در شعر درمانی» نیز جنبه‌های دیگری از تمثیل را جستجو کرده‌اند.

فرزاد قائمی نیز در مقالات «اندیشه مثالی و ادبیات مثالی: سیر تحول نظریه فلسفی عالم مثالی...» (۱۳۸۹) و «نقش فلسفه تمثیلی در داستان‌پردازی‌های مولانا در مثنوی»، (۱۳۸۶)، به ترتیب، سیر ارتباط تمثیل‌گرایی و تفکر فلسفی و همچنین نقش تمثیل‌گرایی در نظام فکری مولانا در مثنوی را بررسی کرده است. مقالات بسیار دیگری نیز درباره تمثیل با رویکردهای مختلف نوشته شده است که به علت فاصله از جستار حاضر قابلیت ذکر در پیشینه این تحقیق ندارند.

خزانه دارلو نیز «شاهنامه‌ی سلیمانی را سروده‌ی فتح الله عارف در ۳۲ هزار بیت می‌داند.» (خزانه دارلو، ۱۳۷۵: ۳۸۳) از سوی دیگر مطابق فهرست نسخ خطی ایران «شاهنامه سلیمانی در ۲۲ هزار بیت متعلق به قرن دهم است که یک نسخه از این اثر در استانبول و آستان قدس رضوی به خط نستعلیق بدون کاتب با افتادگی آغاز موجود است و فیلم آن در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.» (درایتی، ج ۱۸: ۷۵۶)

این پژوهش از این حیث که اولین معرفی علمی اثر خواهد بود، پژوهشی بنیادین و بدیع است که در ضمن معرفی اثر، جایگاه تمثیل‌گرایی را در مواجهه این شاهنامه تاریخی با موضوع تاریخ بررسی کرده است.

۳،۱- پرسش پژوهش

نقش تمثیل از مؤلفه‌های مخاطب‌مدار، در سلیمان‌نامه چیست؟ شاعر چگونه از این شیوه بیانی بهره گرفته است؟

فتح‌الله عارف از مؤلفه‌های ادبی بسیار برای «ادبیت» بخشیدن به اثر خود بهره برده است. تمثیل یکی از این مؤلفه‌هاست تا با استفاده از آن اثر خود را از یک گزارش تاریخی به یک متن ادبی تبدیل کند و گاه تاریخ را به ایدئولوژی نزدیک یا حتی مصادره به مطلوب کند.

۴،۱- روش پژوهش

این مقاله پژوهشی کیفی است که با رویکرد تحلیلی و استنباطی و بر مبنای گردآوری کتابخانه‌ای داده‌های تحقیق، به معرفی سلیمان‌نامه و تحلیل متنی چند تمثیل از آن پرداخته است.

۲- بحث و بررسی

۱،۲- شناخت سلیمان‌نامه (شاهنامه سلیمانی)

فتح‌الله عارف (وفات: ۹۶۹ ه.ق. / ۶۲-۱۵۶۱ م.) به عنوان نخستین شاهنامه‌گو، نوه عارف مشهور ایرانی، ابراهیم گلشنی، مؤسس شاخه گلشنیه از نحله صوفیه خلوتیه بود. تلاش‌های ادبی عارف، زمینه را برای تألیف تاریخ عمومی عثمانی در قالب مجموعه‌ای از آثار که به شاهنامه آل عثمان یا شاهنامه همایونی معروف‌اند و گویا مشتمل بر پنج جلد و حدود ۶۰۰۰۰ بیت می‌شوند، فراهم کرد. از مجموعه مزبور، تنها سه جلد موجود و یا در عمل تکمیل شده است: جلد‌های اول، چهارم و پنجم. جلد اول: *انبیانامه* که در ۹۵۹ ه.ق. / ۱۵۵۲ م. تکمیل شده، از آغاز خلقت تا پیامبران متأخر را شامل می‌شود. جلد چهارم *شاهنامه سلیم* شامل سلاطین عثمانی تا سلیم اول می‌شود. جلد پنجم: *سلیمان‌نامه* یا *شاهنامه سلیمانی* که در ۹۶۵ ه.ق. / ۱۵۵۸ م تکمیل شده، با ذکر خبر درگذشت شاهزاده مصطفی، خاتمه یافت.

سلیمان‌نامه یا شاهنامه سلیمانی یا شاهنامه عارف، منظومه‌ای حماسی تاریخی و نظیره‌ای بر شاهنامه فردوسی اثر فتح‌الله عارف چلبی (درگذشته ۹۶۹ ه.ق.) است. از شاهنامه سلیمانی دو

نسخه خطی شناسایی شده است. یک نسخه با شماره‌ی ثبت ۴۲۴۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این نسخه از آغاز دارای افتادگی است و با بیت ذیل آغاز می‌شود:

بده تا ببندم به وجه جمیل به بال سخن شهپر جبرئیل
(سلیمان‌نامه: برگ ۲)

نسخه فاقد انجامه و هر تقریری از کاتب است، که در آن نشانی از تاریخ کتابت ذکر شده باشد. لیکن در مشخصات کتابخانه تاریخ تحریر ۱۱۶۷ ه.ق. ذکر شده، منبع استحصال آن مشخص نشده است. نسخه تصویر یا حاشیه‌نگاری ندارد و با این بیت پایان می‌یابد:

بدین نامه نغز و نام چنان خدایش ببخشد کام جهان
بدو باد ارزنده آن نام و کام بدین گفته کردیم ختم کلام
(همان. ۳۰۶ b)

نسخه دوم این اثر نیز در کتابخانه تویق‌اپوسرای استانبول به نام سلیمان‌نامه، با ۱۶۰H/۱۵۱۷، بدون ذکر تاریخ استنساخ، ثبت شده و نگهداری می‌شود. این نسخه از آغاز کامل است. محمّدامین ریاحی در کتاب *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی* در معرفی سلیمان‌نامه، بیت آغازین منظومه را از دست‌نویس تویق‌اپوسرای نقل کرده است که نشان می‌دهد، منظومه با نیایش خداوند آغاز می‌شود:

خدایا خداوند هستی تویی نگهدار بالا و پستی تویی
(ریاحی، ۱۳۹۰: ۶۱)

سلیمان‌نامه فتح‌الله عارف از حیث مؤلفه‌های ادبی در متن جنبه‌های بسیار دارد که بخشی از آنها در این جستار طرح خواهد شد. این اثر دارای شواهد بسیار برای موضوعات مختلف فنون و اصطلاحات ادبی است. در متن *سلیمان‌نامه* به شواهد فراوان برای صنعت‌های ادبی جناس و انواع آن، تکرار و انواع آن، تشبیه، اغراق و مبالغه، قافیه و انواع آن، تمثیل و اسلوب معادله و ... برمی‌خوریم.

یکی از مواردی که بارها در *سلیمان نامه* به آن برمی‌خوریم «قافیه قرار گرفتن مصوت کوتاه»، مانند مصوت بلند است که از نظر عروض‌شناسان مصوت کوتاه از حروف الحاقی به شمار می‌رود و به تنهایی قافیه قرار نمی‌گیرد. برای این موضوع شواهد بسیار می‌توان در *سلیمان نامه* یافت که یا باید آنان را عیب قافیه دانست یا از ویژگی‌های سبکی سلیمان نامه که شاید با عرف شعر فارسی در آسای صغیر نیز نسبت داشته باشد. هم‌چون فنون ادبی که در گذر زمان تغییراتی یافته‌اند، در قرار نگرستن مصوت کوتاه به تنهایی در جایگاه قافیه نیز تجدید نظر محال نبوده است:

دلیران جنگی به جای زره به بر کرده مویینه که تا به مه
(سلیمان نامه: برگ 41a)

چو گردون به تاری ببندد گره گشاید دگر ره تو دندان منه
(همان: برگ 102b)

در بیت زیر علاوه بر قافیه قرار گرفتن مصوت کوتاه، ذوقافیتبن نیز دیده می‌شود:

سر ماهک خویش بر ماه نه که افراخته رایت شاه به
(همان: برگ 30a)

در بیت زیر نیز مصوت کوتاه، حرف الحاقی شمرده می‌شود:

چو آن وحشیان را به سان رمه رساندند یک‌جا فراهم همه
(همان: برگ 51a)

کاربردهای نحوی و واژگانی متن نسبت به متن معیار (شاهنامه فردوسی) بسیار اندک است و شاعر از سبک معیار فاصله نمی‌گیرد. البته موارد خاص واژگانی در متن قابل مشاهده است؛ هم‌چون می‌توان به کاربرد فراوان واژه «ازدهایان» - جمع ناآشنای واژه ازدها - اشاره کرد که در این متن تبدیل به کیفیتی نحوی با کاربرد سبکی شده است:

از آن ازدهایان که در راه بود به شهراوندرون کس نه آگاه بود
(همان: برگ 102a)

گوزنی ازو اژدهایان به رنج چو گوساله سامری گاو گنج
(همان: برگ 58b)

عارف مدام سعی بر سجع کردن واژه‌ها آن هم در کنار هم و آفریدن جناس دارد و از این حیث از متن معیار بسیار پیشی گرفته است که البته در دیگر منظومه‌های حماسی معاصر این متن (چون خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی) نیز سابقه داشته، کیفیتی مرتبط با سبک دوره است:

وزیران آصف صف جم جناب به فرمان شه سلیمان رکاب
(همان. 238b)

همه روزه با ساقی سیم ساق بیفشاند گل در النگ مفاق
(همان. برگ 239a)

فتح‌الله عارف علاوه بر شاعری در نجوم و ریاضی و هندسه استاد بود. این دانش نجومی باعث شده است، در تصویرسازی‌های خود- به ویژه در فاصله‌گذاری‌های رایج در متن حماسی که از تصویرسازی حرکت خورشید در آسمان در قالب تشبیهات حماسی استفاده می‌شود- به طور بارزی از حرکات و مواقع بروج و افلاک و معنای نجومی آن‌ها برای خلق مضامین تصویری استفاده کرده است؛ این کیفیت فراتر از سبک متن معیار (سبک ژانر) و سبک دوره، کیفیتی خاص متن سلیمان‌نامه است و عارف در این زمینه، در میان اشعار حماسی فارسی، به شعرش تشخص سبکی روشنی بخشیده است:

برآور سر ای صبح فرخ ز خواب	به برج شرف سرکش ای آفتاب!
درخشان شو ای مهر زرین درفش!	چو ابر از دل ابر بیرق بنفش
مینداز ای برق زرین‌رسن،	به گیسوی ابر بهاری شکن!
زه از تار باران میند ای سحاب!	به قوس قزح بر رخ آفتاب
علم برکش ای دولت سربلند!	فروزان شو ای صبح فیروزمند!
مطراً شو ای طره صبحگاه،	چو بر طوق زر، پرچم لعل‌شاه! ...
غرنبش کن ای کوس رویینه‌خم	بجنبان زمین با دم گاو دم

ز اوج سپهر ای بلند آفتاب!	بزن بوسه شه را چو مه بر رکاب
چو گنج ای سحر چند خسی به گنج؟	برون آور از جیب زرین، ترنج
بشو روی عالم ز زنگار غم	که شد پشت گردون خم از بار غم...
دم سرد از افسردگی های کار	بسی دیدی از سردی روزگار
چو روح الله اکنون برآور نفس	بجنبان پی رحلت شب، جرس
در این دم که عالم به تاب آمده است	اسد مسند آفتاب آمد هست...
قدح پر کن از باده خوشگوار	که بی باده نتوان شکستن خمار
به روی شه آن باده را نوش کن	لب از غصه دور خاموش کن
نثار شهنشاہ کن روح پاک	چو عارف بگویش که: «روحی فداک...!»

(همان: برگ 29a و 29b)

در ادامه به نقش تمثیل در این متن پرداخته خواهد شد.

۲،۲- تمثیل در سلیمان نامه

حماسه های تاریخی منظوم فارسی گاه چون شهنشاہ نامه احمد تبریزی و قیصر نامه ادیب پیشاوری، متونی با شکوهمندی ادبی و از حیث شعری برجسته اند، و گاه چون سلجوق نامه قانعی، میکادونامه، شاهنامه چترال و شهنامه قشم، بیشتر تواریخ منظوم اند تا متنی با صورت شاعرانه ادبی. *سلیمان نامه* با این که از شمار متون تاریخی و وقایع نامه هاست که به صورت یک منظومه بلند سروده شده است، اما با توجه به منصبی که فتح الله عارف در دربار سلطان سلیمان قانونی به عنوان «شهنامه چی / شهنامه گو» داشته، و هدفش از سرودن متن صرفاً بیان تاریخ نبوده، در شمار متون دسته اول است. او حوادث و رویدادهای تاریخی عصر خویش را در قالبی به شدت مصنوع و هنرمندانه بیان نموده است و رویکرد گزارشگری در متن غالب نیست.

سبک فتح الله عارف در *سلیمان نامه* چنین است که پیش از هر موضوع و عنوان سخن، گونه ای براعت استهلال، با الهام از خطبه های فردوسی در آغاز داستان های شاهنامه، با عنوان «مطلع

داستان» آورده است که مهم‌ترین رابطه این بخش با روایت آن بخش که ذیل مطلع نقل شده است، رابطه تمثیلی است. بدین صورت است که در مطلع آغازین نمادی که دلالت بر یکی کیفیت‌های واقعه تاریخی آن بخش از منظومه دارد، به گونه‌ای تبلور هنری می‌یابد که در گزارش شاعرانه شاعر از آن بخش از تاریخ، این دلالت ادبی و شباهت میان دال و مدلول دریافت می‌شود. رابطه‌ای که بی‌شباهت به استدلال‌های تمثیلی فردوسی در خطبه‌های آغاز داستان در شاهنامه نیست. اگر ترجیح از شاخه افتاده خطبه رستم و سهراب، تمثیل مرگ است که دلالت بر مرگ زودهنگام سهراب به حکم تقدیر دارد یا تشبیه مرکب صحنه آغازین رستم و اسفندیار از گره دراماتیک طرح شده میان بلبل و گل و ابر، با دلالتی نمادین مخاطب را به وضعیت پر هول و ولای رستم و اسفندیار در خان مرگ و تقدیر دلالت می‌کند، عارف نه با این استادی و ژرفا، اما با صحنه‌پردازی‌های شاعرانه خود در بخشی که عنوان «مطلع داستان» بدان می‌دهد و همان خطبه آغازین است، قصد در کشف دلالتی نمادین در گزارش خود از تاریخ دارد.

در کل سلیمان‌نامه ۱۳۶ مطلع داستان به کار رفته است. می‌توان گفت بسیاری از این مطلع‌ها، با محوریت تمثیل به بیان موضوع عنوان پس از مطلع پرداخته‌اند. گرایش به هنری کردن گزارش تاریخی از همین ریخت عناوین شروع شده است. چرا که او برای روایات تاریخی از کلمه «داستان» یاری جسته، هر گزارش را با دو عنوان، ابتدا «مطلع داستان»، برای خطبه آغازین، و سپس عنوان داستان شروع می‌کند. عناوینی که خود به تاریخ حال و هوای داستان‌گونگی می‌بخشد.

جدا از جایگاه اجتماعی عارف و وسواسش برای حفظ برتری ادبی‌اش بر دیگر شاعران، در بیان حوادث به خوانندگان و مخاطبان دور، یعنی آیندگان، هم توجه داشته است. نظریه‌پردازان نقد ادبی، مخاطبان متن را از نظر دریافت و شرکت در روند معنای آن به دو دسته مخاطبان منفعل و مخاطبان فعال تقسیم کرده‌اند. مخاطبان عارف و سلیمان‌نامه از این جهت که در شکل‌گیری متن و بیان حوادث دخالت نداشته‌اند، مخاطبانی منفعل‌اند، و از جهت این‌که حوادث و رویدادها را داوری و تحلیل می‌کنند، مخاطبانی فعال‌اند. عارف در سلیمان‌نامه، - هرچند می‌داند برای آیندگان می‌سراید، - تمام اهتمام خود را مصروف می‌دارد که معنی حاضر

و آماده را بدون کوچک‌ترین کاستی‌ای به مخاطب منتقل کند. او در این رویکرد، جایگاهی برای خواننده قائل نمی‌شود و همین امر موجب می‌شود همه جوانب متن را برای مخاطب روشن نماید. اما در روزگار ما، مخاطب جایگاه ویژه‌ای یافته است و بر اساس نظریه‌های نقد، تجربه‌های خواننده همانا معنای متن است. امروزه خواننده یک متن تاریخی و حماسی مانند بسیاری از متون دیگر، یک خواننده صرف نیست بلکه یک تحلیل‌گر است. پورنامداریان در *خانه‌ام ابری است / شعر نیما از سنت تا تجدد* می‌گوید: «نمی‌توان هر معنا را با عنوان مشارکت فعال در فرآیند متن، به خواننده تحمیل نمود.» (پورنامداریان، ۱۳۷۷: ۲۱۴) به نظر ولفگانگ آیزر، متون ادبی همواره «سفیدخوانی»هایی دارند که فقط خواننده می‌تواند آنها را پر کند. «معنای متن هیچ‌گاه خود به خود مدون شده نیست؛ خواننده باید برای تولید معنا، روی مصالح متنی کار کند.» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۷۰)

در ادامه رابطه فوق بین مخاطب- مؤلف و متن (رابطه سه رکن معروف به مثلث ابرامز) برآینم که با بررسی تمثیل در متن *سلیمان‌نامه* نشان دهیم، عارف در بیان حوادث و رویدادهای تاریخی، از خوانندگان غفلت کرده، هیچ اشاره‌ای به امکان کنش‌گری مخاطب نمی‌کند؛ اما در مطلع‌های آغازی هر عنوان، به واسطه تمثیلی بودن آنها، مخاطب محور عمل کرده است، آنها را وادار به کنش می‌کند. در این متن حماسی، شاعر مانند نوع ادبی تعلیمی همواره خود را با مخاطب همراه می‌داند و بارها با بیان «ای عارف» و در قالب تک‌گویی‌های ضمنی گویا تلنگری به خود می‌زند که از حال خواننده و مخاطب غافل نباشد و طوری سخن می‌گوید که خواننده به تفکر و تأمل پردازد. بخشی از تمثیل‌های این متن، فارغ از محتوای تاریخی اثر، مخاطب دور و نزدیک را خطاب قرار داده، از مثال‌هایی که گاه ارزش سمبولیک دارد، یاری می‌جوید. از این جمله، در ذکر واقعه «هزیمت یافتن لاوش و لاشیء شدن انکروسیان اژدرخروش»؛ از عنوان این بخش می‌بینیم که از ساختن جناس بین اسم خاص «لاوش» و عبارت عربی «لاشیء» استفاده کرده است که این تجنیس خود در راستای هنری کردن تاریخ- حتی در «عنوان گزارش تاریخی» با استفاده از کارکردهای بلاغی است. در مطلع این داستان، مثل سمبول معروف ققنوس آذری و تمثیل دو ققنوس کحلی و اخضری در ابیات ذیل:

درین انجمن‌گاه انجم‌فروز نسوزد چراغ کسی تا به روز
 دو پر دارد این ققنس آذری یکی کحلی و دیگری اخضری
 شب و روز پر می‌زند با فراغ چوپروانه بر گرد چندین چراغ
 بسا شمع مجلس که بی‌اختیار زده بال و بنشانند پروانه‌وار
 شد آن ققنس، این مرغ آتش‌فروز که گشته بسی شمع پروانه‌سوز
 چو پروانه پروا ندارد ز نار که پروانه دارد چو ما صد هزار
 چوسوزیم شمعی در این انجمن که پروانه او بود بادزن
 کسی را که خواهد نمیرد چراغ بر بادزن نه بگیرد چراغ
 بیا تا فروزیم با ننگ و نام چراغی که هرگز نمیرد به بام
 یکی شمع سوزیم چون آفتاب که گردد در او، این سمندر، کباب

(همان. برگ ۱۵۶b - ۱۵۷a)

چون در این گزارش تاریخی، از گریختن انکروسیان و نابودی و شکست خفت‌بار آنها یاد شده است، با تمثیل ققنوس آذری به مخاطب یادآوری می‌کند که با ننگ و نام سوختن، بر ماندن به هر بهایی و شعله چراغ را نهان از تندباد حوادث از فرامردن در امان داشتن، فضیلت دارد.

در تمثیلی دیگر در مطلع داستان «در صفت مناره ساختن از سر کافران عنید بهر اذان عید»، باز ضمن تجنیس عنوان (عید و عنید)، پس از پیروزی سلطان بر دشمنان غیرمسلمانان، با توجه به این‌که داستان این بخش ماجرای کشتار انبوه سپاه دشمن و سر بریدن و مناره ساختن آنها و طنین صدای اذان از این مناره انسانی است که برای عارف مظهر قدرت مطلق سلطان و تسلطش بر آفاق و انفس است، در مطلع داستان چنین می‌سراید:

بدین‌شه‌که عارف ثناخوان اوست فلک بنده طوق احسان اوست...
 شرف‌نامه نام شاهان تویی به سر نامه‌ها تاج عنوان تویی
 ترا فتح از آن خواند دولت پرست که مفتح دولت تو داری بدست
 کلید همه قفل‌ها نام تست سعادت به کنجی که بُد رام تست

بگو تا که در باغ اقبال و بخت به جویم تو را در کدامین درخت
 نشان ده به من باغ و بستان تو که گُردم در آن باغ، دستان تو
 همانا تو را همچو من سایه‌وار بود جای در سایه شهریار
 علم‌های شاه است گلزار تو به کف نیزه غازیان خار تو
 مبادا جز آن گلشن در جهان گشاینده گل در دگر گلستان
 سحرگه که از گلشن سبز چهر به خنده درآمد گل سرخ مهر
 افق گشت روشن ز رخس شفق چو نور حدیقه به نور حدق

(همان: برگ ۱۶۱ا)

تمثیل «باغ بخت»، شرح استعاره مرکبی است که دولت لایزال سلطانی را (به تعبیر شاعر مادح) به گلزاری مانند کرده است که گل‌هایش پرچم‌های شاه، خارش نیزه جنگاوران و کلیدش، «مفتاح دولت» است و شاعر، بلبل این باغ. هم‌چنین تمثیل خُرد این مثل کلان، تشبیه نام سلطان به شرف‌نامه نام شاهان و تاج عنوان (نظر به تذهیب عناوین نامه‌ها) بر سر نامه‌های ایشان (تاریخ شاهان) است که البته از جنبه نجومی تهی نیست؛ چرا که نظر به جاودانگی استقرار اختر بخت شاه در برج شرف دارد.

اگر به این سخن آندره برتون یکی از شاعران بنیان‌گذار سوررئالیسم فرانسه توجه داشته باشیم که: «از کنار هم قرار گرفتن دو کلمه، دو عبارت یا دو جمله مختلف، امر سومی حادث شود، آن را تصویر می‌نامیم». (موحد، ۱۳۷۷: ۸۱) باید گفت اشعار تصویری عارف کمتر از اشعار گفتاری او است. این امر به خاطر روایی بودن سلیمان‌نامه و هم‌چنین از ویژگی‌های متون تاریخی است که ایستایی کمتری دارند. عارف اگر در بخش‌هایی از سلیمان‌نامه، خواننده را به انفعال می‌کشانند و تصویرآفرینی می‌کند، بیشتر در مطلع‌های داستان‌ها است. لیکن جنبه‌های تمثیلی مطلع‌ها نقش بسیار مهمی در ساختن تصویرهای شعری و هنری سلیمان‌نامه دارد و باعث می‌شود، بخش روایی نیز در پرتوی تصویری که ممثل به مضمون آن روایت است، نمود هنری بیشتری در نظر مخاطب پیدا کند. او هم‌چنین با چشمزد به نام شاهان شاهنامه، و فضیلت دادن به ممدوح خویش نسبت به آنها، به کارکرد بلاغی روایتگری خود در تاریخ بار

هنری بیشتری می‌دهد و فضای ایستای هنری را در دل تاریخ تصویر می‌کند:

بسی خوانده‌ام داستان شهان	ز گفتار دانشوران جهان
به آیین شاهی و ساز و سپاه	به گنج‌وتوان و به تیغ و کلاه
ندیدم ولی با سپاه چنین	بر اورنگ زر پادشاه چنین
بدین‌کوه لشکر بدین‌کام‌وداد	بود باد افسانه کیقباد
فریدون فرخ بدین فرهی	رسیده کجا با کلاه مهی
نسوده بدین پایه جمشید پی	سپاهی چنین دیده کاووس‌کی
بدین‌سازولشکر بدین‌فروتاب	بود آسیابان افراسیاب
سکندر درین در گدایی بود	به دربان او بی‌نویسی بود
هزاران جمش بنده گویم اگر	برآتم که کم گفته باشم دگر
همان به بدین شاه فرخ نهاد	ز شاهان پیشین نیارم به یاد

(سلیمان‌نامه: برگ ۱۰۰a)

استفاده از افسانه‌های تمثیلی (فابل) و داستانی تمثیلی، به شیوه ضمنی در اثنای روایت (به شیوه‌ای که مولانا نیز گاه حتی در ضمن غزلیاتش از آن یاری جسته است)، و مثل‌گذاری پند (ممثل) و افسانه (ممثل‌به) نیز بخش دیگری از تمثیل‌گرایی عارف و کارکرد آن در تاریخ اوست که باعث می‌شود، اثرش را در سطح زبان متن نه یک منظومه تاریخی که بتوان حماسه تاریخی محسوب داشت. از جمله افسانه‌های تمثیلی ضمنی:

سرکینه‌ور را چو بری به کین	بپرداز از تخمه او زمین
مبخشای بر دشمن خردسال	که سال‌دگر با تو گردد همال
چه بری سر خار نابهره‌ور	که از بن برآرد دگر باره سر
چو بری سر شاخ خار کهن	نخواهی بروید برارش ز بن
درختی که بیداد باشد برش	ز بنیاد کنند بود بهترش
کنی چون‌که آزرده دنبال مار	همان‌دم ز مغزش برآور دمار
ببخشی چو بر بچه ازدها	چو آبی به‌جنگش نگریدی‌رها

بود بچۀ شیر چندان زبون که ناورده دندان و ناخن برون
 چو ناخن برآید ز سرپنجه‌اش پر از بیم‌گردد دل از رنجه‌اش
 مبین در دهان خُرد دندانِ گرگ به زخمش نگه کن که باشد بزرگ

(همان: برگ 96b)

و از جمله داستانک‌های تمثیلی (فابل) به شیوهٔ ضمنی:

اساس سخن سخت باید که تا به هر تندبادی نجنبد ز جا
 ببايد بنای سخن همچو کوه که ناید ز هر صرصری درسته
 سخن زادهٔ جان بود در بدن مپندار بادی‌ست اندر دهن

(همان: برگ 214b)

در بسیاری از مطالعات اثر دلالت تمثیلی قابل تبیین و تحلیل است و تعیین سبک و شگرد بلاغی عارف در پردازش مطالعات داستان‌ها موضوع تبیین سبک روایی او در نقل تاریخ خواهد بود. در انتها برای درک کیفیت تمثیل‌گرایی مطالعات به ذکر آخرین نمونه‌ای می‌پردازیم. در بخش «جنگ ابراهیم‌پاشا با گبران قلعهٔ ایلوق و فتح نمودن [قلعه]»، در گزارش این بخش، ابتدا روایت می‌شود که ابراهیم‌پاشای پارگایی (متولد ۱۴۹۴م. در پارگا/متوفی ۱۵۳۶ م. در قسطنطنیه)، وزیر مقتدر سلیمان، چگونه توانست با سیاست و استفاده از فرستادن زر و سیم و ثروت بسیار، کسانی را میان صاحبان مناصب سپاه دشمن به خود جذب کرده، به پوشیدن تشریف سلطان امیدوار کرده و با تطمیع آنها و اطلاعات منہیان، نقشهٔ تصرف قلعهٔ ایلوق را با کمترین هزینهٔ رزمی عملی سازد. عارف در مطلع این گزارش، مثلی در بی‌ارزشی زر در نظر جهانگیران و جهانداران و عدم بخل آنها در صرف دنیاوی برای فتح دنیا بیان می‌کند و ابزار فتح جهان را به کلید دودندان‌ای تشبیه می‌کند که این دو دندانه جز زر و زور نیستند:

دو دندانه دیدم جهان را کلید یکی از زر و دیگری از حدید
 همیشه گشایند شاهنشهان به آن هر دو دندانه قفل جهان
 بود چون که با تیغ پولاد، گنج شه از مُلک‌گیری نیامد به رنج

نبینی که خورشید تابان، سحر جهان گیرد آسان به تیغ و به زر
 سکندرز طلعات تا غورغور بدین هردو، بگرفت عالم چوهور
 زمانه به زور زر و زور تیغ بود شاه را، چون ندارد دریغ
 جهانگیر شاهان فرخ گهر بگیرند گیتی، نگیرند زر
 سپاهی چو از گنج یابد نوا گه جنگ گردد به خصم ازدها
 چو خواهی که گیری جهان به سر بنه همچو خور، تیغ برطشت زر
 به یک دست این و به یک دست، آن بگیر و بده کام و داد جهان...

(سلیمان‌نامه. برگ b ۱۴۱)

با توجه به پیوند تنگاتنگ زر و زور در کسب پیروزی، در این واقعه که در این تمثیل وجه دلالت (وجه شبه تشبیه مرکب) است، مثالی از بی‌توجهی شاهان به زر و صرف آن در راه جهانگیری را بیان می‌کند (دال/ مشبه) تا نقشه ابراهیم‌پاشای مقتول (لقب او پس از قتل به دستور سلطان) برای فتح ایلوق نیز محصول همین پیوند و تدبیر او در درک این حقیقت (مدلول/ مشبه‌به) انگاشته شود. در این تمثیل کلان، مثل‌های خرد، با دلالت مشترک چون تمثیل قفل دودندانه و جهان و تمثیل رمز فتح ظلمات به دست اسکندر نیز در افزایش کارکرد اقناعی تمثیل به کار رفته است.

فتوحی تمثیل را «تصویر تجربه‌های عقلانی» می‌داند. (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۴۸) و اشاره می‌کند که: «عصر رواج تمثیل، در تاریخ ادبیات ایران، عصر غلبه عقلانیت و آگاهی عقلی است». (همان: ۲۷۴) امانوئل کانت می‌گوید: «تمثیل راه استدلال را کوتاه می‌کند». (مرداسی، ۱۳۹۵: ۱۳۴) پیش از این گفتیم که تمثیل علاوه بر روشن‌گری درون‌مایه کلام از جمله عناصری است که در متن، نقش ترغیبی ایفا می‌کند و ما آن را از مؤلفه‌های مخاطب‌مدار می‌دانیم. فرض سخن و کلام بی-مخاطب، فرضی محال و ناممکن است. پورنامداریان می‌گوید: «مخاطب است که زمینه معنایی سخن و شیوه بیان آن را به اقتضای ظرفیت‌های علمی و هنری شاعر تعیین می‌کند.» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۴). با توجه به تعلق خاندانی عارف به تصوف و پیشینه ارتباطش با نحله صوفیه خلوتیه و وجود تأثیرات عرفان (که در تخلصش نیز نمود یافته است) و امکان

تأثیر نگرش مولویۀ روم بر قلب و اندیشه شاعر، گرایش شدید او به تمثیل در شاعری می‌تواند تحت تأثیر سابقه تصوف وی باشد. مولانا در نگرش تمثیلی به جهان هستی، «مثال» (تمثیل) را از «مثل» (تشبیه) جدا می‌کند و حوادث گیتی را مجلایی برای اثبات صدور ماهیت مجرد در مثال ملموس آن می‌داند:

«هرچه گویم مثال است مثل نیست مثال دیگرست و مثل دیگر. حق تعالی نور خویشتن را به مصباح تشبیه کرده است جهت مثال، و وجود اولیا را به زجاجه، این جهت مثال است نور او در کون ننگجد در زجاجه و مصباح کی گنججد؟» (مولوی، ۱۳۳۰: ۱۶۵) «تمثیل»، اگر چه از حیث بلاغت نوعی از «تشبیه» است، از حیث روایی، شیوه‌ای از جانشینی روایت با محمل مضمونی است که در ضمن آن، به جای بیان مستقیم محتوا، مفاهیم ذهنی، به منظور تلقین و انتقال بهتر، را در ساختار مثالی تکرار می‌شود. ساختاری که دو بعد دارد: یکی بعد نزدیک که سطح روایی دارد و «ممثل به» است و دیگری بعد دور است که سطح ذهنی داستان یا حکایت را شکل می‌دهد و قرائنی که دلالت محتوای اصلی مضمور در تمثیل را به کمک نشانه‌ها و قرینه‌هایی، به شیوه ضمنی، به ذهن مخاطب القا می‌کند و این بعد دور «ممثل» است که معنایی ورا و فرای معنای ظاهری دارد. غرضی که در این دلالت محقق می‌شود نیز که از رایج‌ترین اغراض ادبی است، «تعلیم» است و تمثیل، ابزار شایع است ادبیات تعلیمی است که تاریخ نسبتی با آن ندارد. تاریخ، گزارش وقایع برای بیان معنی است، ولی به تعبیر امام بلاغت: مزیت تمثیل همیشه در طریق اثبات معنی بوده است، نه در خود معنی (جرجانی، ۱۳۶۸: ۱۱۸) و این به تاریخ وجه ایدئولوژیک می‌بخشد. این تقلیل تاریخ به ایدئولوژی مرهون خاصیت اقناعی شگرف تمثیل است که اهل منطق از آن به «استدلال تمثیلی» یا «منطق تشبیهی» یا «منطق استعاری» تعبیر شده است. البته جنبه استعاری تمثیل هیچ‌گاه مانع این نشده است که باعث شود اهل کلام تمثیل را از مقوله استدلال خارج کنند، لیکن آن را استدلالی دانسته‌اند که نوعی از استعاره را نیز در خود دارد (خواججه نصیر طوسی، ۱۳۶۷: ۵۹۴).

استعاره نیز نوعی تشبیه است. در بیان این رابطه گفته‌اند که وقتی دو چیز [ممثل و ممثل به] وجه اشتراک، یا وجه شباهتی [وجه دلالت] داشته باشند، حکم می‌کنیم که در نتیجه آن وجه اشتراک، نیز همانند خواهند بود (خوانساری، ۱۳۶۳: ۱۴۰). بر این مبنا، می‌توان از این نوع

دلالت به استدلال تشبیهی یا استعاری تعبیر کرد. تمثیل یا استدلال تمثیلی، نتیجه منطق تشبیهی یا منطق استعاری و به قول منطقیون حجتی است که در آن حکمی را برای چیزی - لیکن از راه شباهت آن، با چیز - دیگر معلوم می‌کنند.

استدلال تمثیلی، نظام فکری‌ای در منطق است که در ضمن انتقال مفهوم و بیان یا گزارش غیرمستقیم آن، انفعال نفسانی بیشتری را بر تخیل و ذوق مخاطب خود برمی‌انگیزد و بیش از یک استدلال علی و منطق عقلانی، کارکرد بلاغی و اقناعی دارد. ارزش دلالت تمثیلی نیز در این است که محتوای مورد دلالت را با شگرد هنری زیباسازی و «رنگ آمیزی می‌کند؛ [به طوری] که سامع [مخاطب، به] هیچ [وجه] نمی‌تواند به حق یا بطلان قضیه متوجه شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۸۴).

اما در قلمروی تاریخ‌نویسی، این نوع نگاه به تاریخ در ادب فارسی نه با مولوی یا فردوسی بلکه با بیهقی آغاز می‌شود که در تاریخش، با اعتقاد به تکرارپذیری تاریخ، ذیل هر واقعه‌ای، با بیان تمثیلی، واقعه مشابه یا قطعه شعر و نثر حاوی داستانی به ضمن تاریخ می‌افزاید تا معناپذیری تاریخ را نشان دهد (مثلاً داستان مرگ زید و مقاومت مادرش، اسماء، بر مرگ او، ذیل داستان مرگ حسنک وزیر و پایداری مادرش بر مرگ پسر یا روایت غزل‌واره رودکی که ذیل روایت مرگ بونصر مشکان نوعی کارکرد تمثیلی در بی‌اعتباری دنیا می‌یابد و امثال آن). اگر در رویکرد بیهقی به تاریخ، تمثیل‌گرایی او به فلسفه تاریخ در دیدگاه او و ایمانش به حقیقت تاریخ بازمی‌گردد، در مورد عارف، با توجه به پیشینه پیوند تمثیل و تاریخ در ادب فارسی، این پیوند بیشتر یک «سنت ادبی» است تا نوعی باور فلسفی. شاید به همین دلیل، تاریخ برای او صالت گزارشگری حقیقت را ندارد و به نوعی در ازای منافع سیاسی قابل نقض می‌شود. به همین جهت در گزارشگری شاعرانه او از تاریخ عثمانی، گاه تحریف و چشم‌پوشی از واقعیت تاریخی حتی در سطح بسیار فاحشی دیده می‌شود. روایت عارف از نبرد میان عثمانی و صفوی در زمان سلیمان و شاه تهماسب (ر.ک: سلیمان‌نامه. برگ‌های ۲۳۰-۲۷۲) و فتح بغداد و حمله اول و دوم سلطان سلیمان به ایران و نبرد این دو دولت را که از آن به «جنگ رومیان با ایرانیان» (همان. ۲۷۲) نیز تعبیر کرده است، نمونه خوبی از میزان پابندی او به حقیقت در گزارش تاریخ است که موارد شکست و خسارت عثمانیان را حذف کرده، پیروزی

آنها را با اغراق برجسته می‌کند، حتی در مواردی واقعیت را بازگونه گزارش می‌کند تا تصویر فتوحات ممدوحش را کمال هنری بیشتری ببخشد.

۳- نتیجه‌گیری

حوزه تمثیل با توجه به عناصر سازنده آن و زمینه معنایی متن، شرایط حضور خواننده را در متن فراهم می‌کند. این امر سبب می‌شود خواننده منفعل متن در هنگام روایت رویدادها و حوادث تاریخی، به خواننده فعال در مطلع‌های داستان تبدیل شود.

فتح‌الله عارف با استفاده از تمثیل راهی یافته برای بیان اندیشه‌هایی که بیان آنها خطر دارد. با شناختی که از سلطان سلیمان داشته همواره سعی نموده، سخنی نگوید که سلطان بر او خشم گیرد. از تمثیل‌هایی بهره جسته تا شاه عثمانی را شاه جهان بخواند و سخن و شعر خود را برتر از فردوسی معرفی کند. بیشترین استفاده او از تمثیل در مطالع روایات است. گفت‌وگو در مطلع‌های داستان بسیار کم است. پیوند تمثیل با عناصر داستانی و تلاش او برای استحاله ذات تاریخ از گزارش به داستان، همچنین سبب می‌شود سلیمان‌نامه از حالت خشک گزارشی، دور بماند.

در بررسی تمثیل‌های متن سلیمان‌نامه، مشخص شد که رویکرد او به تمثیل، در حد یک سبک در روایتگری وی از تاریخ برجسته شده است. اگر چه رویکرد به تمثیل در تاریخ سابقه دارد و شاید بیهقی یکی از نخستین مورخینی باشد که تمثیل را در تاریخ به کار بسته است، اما در میان شاعر-مورخان، و حماسه‌سرایان تاریخی، این میزان از گرایش به تمثیل در شاهنامه سلیمانی قابل توجه است و شاید بخشی از سبک شخصی این شاعر باشد. روایت او از تاریخ عثمانی در عصر تقابل عثمانی و صفوی، و استفاده او از تمثیل با انگیزه‌های سیاسی، موضوعی است که تحقیقات مفصل‌تری را در این باره طلب می‌کند.

پی‌نوشت:

[۱] این مقاله برگرفته از رساله دکتری اسماعیل عبدی مکنون با عنوان «ویژگی‌های ادبی سلیمان‌نامه و بازنمایی هویت مذهبی و ملی در آن» به راهنمایی دکتر فرزاد قائمی و مشاوره دکتر محمود فتوحی در دانشگاه فردوسی مشهد است.

** مقالات دیگر که از این رساله دکتری استخراج شده است:

۱- واکاوی هویت ملی ایرانی در تاریخ‌نگاری‌های عثمانی با تکیه بر سلیمان‌نامه عارف.

۲- بررسی مؤلفه‌های ادبی سلیمان‌نامه عارف.

۳- منصب شهنامه‌چی در دربار عثمانی و سیر آن.

۴- بازنمایی هویت مذهبی دوره‌های صفوی و عثمانی در سلیمان‌نامه عارف.

منابع:

۱. پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۷). خانه‌ام ابری است (شعر نیما از سنت تا تجدد). تهران: انتشارات سروش.
۲. _____ (۱۳۸۰). در سایه آفتاب. تهران: سخن.
۳. جرجانی، شیخ عبدالقاهر. (۱۳۶۸). دلائل الاعجاز فی القرآن (ترجمه فارسی). ترجمه و تحشیه: سید محمد رادمنش. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴. خزانهدارلو، محمد علی (۱۳۷۵)، منظومه‌های فارسی. تهران: روزنه.
۵. خوانساری، محمد. (۱۳۶۳). دوره مختصر منطق صوری. تهران: دانشگاه تهران.
۶. درایتی، مصطفی (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۷. رابینس، جیس اف. (۱۳۸۹). تاریخ‌نگاری اسلامی. ترجمه مصطفی سبجانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
۸. ریاحی، محمدامین. (۱۳۹۰). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. تهران: انتشارات اطلاعات. چ دوم.
۹. سلدن، رامان و پیتر ویدوسون. (۱۳۷۷). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه عباس مخبر. تهران: طرح نو. چ دوم.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات آگاه. چ چهارم.
۱۱. صالحی، نصرالله. (۱۳۹۱). تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
۱۲. عارف، فتح‌الله. (۱۱۶۷). سلیمان‌نامه / شاهنامه عارف. نسخه خطی. آستان قدس رضوی.
۱۳. فتوحی، محمود. (۱۳۸۶). «تمثیل». دانشنامه زبان و ادب فارسی. جلد دوم. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۱۴. _____ . (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. تهران: انتشارات سخن. چ دوم.
۱۵. _____ . (۱۳۹۵). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: انتشارات سخن. چ سوم.
۱۶. قائمی، فرزاد. (۱۳۸۹). «اندیشه مثالی و ادبیات مثالی: سیر تحول نظریه فلسفی عالم مثالی...». مجله تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد. زمستان ۱۳۸۹ شماره ۲۸، صص ۱۹-۳۸.
۱۷. _____ . (۱۳۸۹). «تمثیل‌گرایی فلسفی و پیوند آن با ادبیات تمثیلی مولانا در مثنوی»، مجله تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۲۷، صص ۴۸-۶۶.
۱۸. مرتضایی، جواد. (۱۳۹۰). «تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی؟» پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (علمی - پژوهشی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان. دوره جدید. شماره ۴. (پیاپی ۱۲).
۱۹. مرداسی سردارآبادی، صغری. (۱۳۹۵). «تمثیل و کارکرد آن در شعر درمائی». فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. پاییز ۹۵. ش.پ: ۲۹. بوشهر.
۲۰. موحد، ضیا. (۱۳۷۷). شعر و شناخت. تهران: انتشارات مروارید.

21. D. H. Bivar (2000), "The Role of Allegory in the Persian Epic", *Bulletin of the Asia Institute, New Series, Vol. 14 (2000), pp. 19-26.*



**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**
Islamic Azad University- Bushehr Branch
No. 37 / Autumn 2018

Introduction of *Suleiman-name e Aref* and the Study of Allegorical Approach' Poet to his History

Farzad Ghaemi¹, Esmail Abdi Makvand^{2*}

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
2. Ph. D student of Persian language and literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

Manuscripts are important in clarifying the various historical, cultural, and literary backgrounds of countries with a long history of civilization. There are many manuscripts in the libraries of our country, each of them can be considered as a valuable treasure that contains many points of the cultural heritage of Iran but they have not yet been properly known or published. *Suleiman-name* is one of the manuscripts that was written by Fathollah in the Ottoman court. Allegory is a method of text analysis applied to all literary types. Allegory in *Suleiman-name* which is a monument gives epic and didactic approach. The approach of this qualitative paper is analytical and inferential conducted by library and taking notes method and aimed at introducing *Suleiman-name* and textual analysis of several allegories in it.

Keyword: Fathollah-e Aref, *Suleiman-name*, Allegory, Ottoman period.

Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature

Vol. 10 • No. 37 • Autumn 2018



I. A. U.
Bushehr Branch

ISSN 2008-627X

- Aalysis of Allegory in Contemporary Iranian Poetry by Relying on Fazel Nazari
Esmaeil Abdi Makvand, Shaghayegh Mahi zadeh, Zahra Mohseni Mousavi... 22
- Searching Allegorical Tales with Animal Characters in Alluma' Fil-tasawwuf
Abu Nasr Al-sarraj
Habib Kargar, Abbasali vafaie, Alireza Shabanlu 43
- Analysis of the ethical functions of allegory in the Asrar-Nameh
Hossein GhasemiFard, Seyyed Hossein Seyedi 66
- The presence of animals in Shahnameh with a view to the allegorical and symbolic role
Roghayeh Mehmandoost katlar, Batol Fakhreslam, Mahbobeh zea khodadadiyan, Parvin dokht Mashour 89
- Allegory in salaman and absal Jami
Zinab Nouri Sorkhani, fatemeh heidari 110
- Figurative Elements in The Novel of Romances of Jonah in The Belly of The Whale by Jamshid Khanian
Somayeh Avarand, Seyed Ahmad Hosseini Kazerooni, Seye Jafar Hamidi, Mohammadreza Shahbazi 127
- Introduction of Suleiman-name e Aref and the Study of Allegorical Approach' Poet to his History
Farzad Ghaemi, Esmaeil Abdi Makvand149



Islamic Azad University
Bushehr Branch